

# موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

## و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن‌ها<sup>۱</sup>

علی ریبعی<sup>۲</sup>

زهرا نظریان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

### چکیده

طی دو دهه گذشته، علاوه بر دلایلی چون کاهش هزینه‌ها و تخصیص بهینه منابع و افزایش کارایی، دلایل دیگری از جمله ظهر اقتصاد مبتنی بر دانش و تغییر ترکیب جمعیتی متقارضیان ورود به دانشگاه‌ها، گرایش به خصوصی‌سازی<sup>۴</sup> در آموزش عالی را تسريع کرده است. در ایران نیز رشد آموزش عالی خصوصی در برنامه سوم توسعه مطرح و مورد پی گیری قرار گرفته اما همواره با

<sup>۱</sup>. مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی موانع خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائهٔ سیاست‌های مناسب جهت رفع آن‌ها» در دانشگاه پیام نور تهران غرب است.

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه مدیریت رسانه و ارتباطات دانشگاه پیام نور تهران. alirabiee@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup>. مرتبی گروه فنی و مهندسی دانشگاه پیام نور لئگرود. z.nazarian184@gmail.com

<sup>4</sup>. Privatization

تنگناهایی روبرو بوده است. این مقاله کوششی در جهت کشف چالش‌ها و موانع گسترش آموزش عالی خصوصی است. در مطالعه حاضر، پس از بیان آموزه‌های نظری، تلاش شده تا به دو سؤال در این زمینه پاسخ داده شود. نخست اینکه مهمترین موانع پیش‌روی خصوصی سازی دانشگاه‌ها در کشور کدام است و دیگر اینکه چه راهکارهایی برای غلبه بر این مسایل و مشکلات وجود دارد. یافته‌های این تحقیق به روش مطالعه اکتشافی منکی بر ابزار مصاحبه عمیق با متخصصان دانشگاهی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی و نیز استفاده از ابزار پرسشنامه (به دو صورت پرسشنامه باز و پرسشنامه بسته) حاصل شده است. در یافته‌های تحقیق ۲۶ مشکل و مانع پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌ها مشخص شد که در این میان مواردی چون فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران از بالاترین اهمیت برخوردار بودند. برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق نیز در پایان، پیشنهادهایی راهبردی جهت رفع یا کاهش مشکلات ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

آموزش عالی، خصوصی سازی، موانع، استقلال دانشگاهی

## مقدمه و بیان مسئله

در گذشته مخاطبان علم (مانند دانشجویان)، بیش تر «مخاطبانی نیازمند» تلقی می شدند اما امروزه آنها «مشتریانی» هستند که تقاضاهای مت حول و متنوع ناشی از شرایط اقتصادی زندگی و تحولات محیط و تکنولوژی و بازار دارند (گیبس، ۲۰۰۱). امروزه آموزش عالی نه فقط به عنوان یک کالای مصرفی که نخبگان جامعه به آن توجه دارند بلکه به خاطر اینکه یک عنصر ضروری در عملکرد اقتصاد ملی کشورهای است، دارای اهمیت بسیاری است. بنابراین تصادفی نیست که تعداد مؤسسات آموزش عالی و نیز تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در آنها، در تمامی کشورهای پیشرفته، همواره در حال افزایش بوده است. از سوی دیگر، نظام دانشگاهی اینوه و در عین حال با کیفیت بالا، پرهزینه است و برای بدست آوردن منابع مالی عمومی با دیگر بخش‌ها رقابت می‌کند (بار، ۲۰۰۴: ۲۶۶). در این میان دلایل زیادی برای نگرانی در مورد عدم توانایی دولت در تأمین بودجه آموزش عالی در مقایسه با سایر وظایف اصلی او وجود دارد.

امروزه دانشگاه‌ها بطور فزاینده بر نقش خود در تأمین منابع مالی قابل استفاده برای ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود تاکید دارند، زیرا آنها بیش از پیش خود را در یک محیط به شدت رقابتی و غیر حمایتی می‌بینند (هاشم‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج حاصل از بررسی الگوهای متدالوی باز توزیعی در آموزش عالی بر هدفمند ساختن روش‌ها و سازوکارهای باز توزیعی از طریق تخصیص مجدد منابع ملی و اختصاص یارانه‌های عمومی و جلب کمک‌های بشردوستانه خصوصی در یک اقتصاد مختلط تأکید داشته و بیان می‌دارند که لازم است تا آموزش عالی همچون کالای شبه عمومی و از طریق سیستمی دو رگه به صورت دولتی و خصوصی ظاهر شوند (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۵۰). این در حالی است که مطالعات نشان می‌دهد که یارانه‌های آموزش عالی بیش از خانواده‌های ندار و کم درآمد نصیب خانواده‌های با درآمد بالا می‌شود (وودهال، ۱۳۸۰: ۳۰). از این رو، سیاستگذاران، مدیران و رهبران آموزشی در جستجوی ابداع و به کارگیری راه حل‌ها و روش‌هایی هستند که از طریق آنها بتوانند با تهدیدهایی که پیامد چنین تغییراتی است، مقابله کنند. (استرل و همکاران، ۲۰۰۷)

در این راستا، در ایران نیز در برنامه های سوم و چهارم توسعه به صراحت بر توسعه بخش خصوصی کشور تأکید شده و اقدامات جسته گریخته ای همانند تأسیس غیر انتفاعی، علمی - کاربردی و دوره های شبانه و گسترش و توسعه دانشگاه های آزاد اسلامی، صورت گرفته است که با وجود اقدام های انجام شده، آموزش عالی کاملاً خصوصی در کشور ایجاد نشده است و این دانشگاه ها صرفاً به شکل غیر دولتی به فعالیت مشغول هستند. در این میان آن چه مهم می نماید، بررسی تنگناها و مشکلاتی است که آموزرش عالی کشور در فرایند خصوصی سازی با آن رویروست. در این پژوهش با توجه به خصوصیات و ویژگی های خاص و بنابر اهمیت آموزش عالی و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور، این نهاد جهت انجام تحقیق انتخاب شده و تلاش گردیده تا چالش های واگذاری آن به بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. از آن جهت، در این مطالعه بر آنیم تا موانع خصوصی سازی دانشگاه های دولتی کشور را از ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، قانونی، ساختاری و آموزشی مورد بررسی قرار دهیم. مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از این که در راستای خصوصی سازی آموزش عالی، چه موانع و چالش هایی وجود دارد و برای حل آنها از چه راهکارها و سیاست هایی می توان استفاده نمود. بر این اساس، نخست، ادبیات خصوصی سازی آموزش عالی مورد بحث قرار گرفته و پس از تحقیقات لازم شاخص ترین موانع مشخص و در نهایت راهکارهایی جهت رفع آن ها ارائه خواهد شد.

### مبانی نظری

اصطلاح خصوصی سازی در آموزش عالی، بر فرآیند یا گرایشی اطلاق می شود که در آن دانشگاه ها و مدارس عالی (اعم از دولتی و خصوصی) منش ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را پیش بگیرند (جانسون، ۱۳۸۳ : ۲). نزدیکترین معنی به واژه خصوصی سازی، دور شدن از سرمایه گذاری دولتی و نزدیک شدن به سرمایه گذاری خصوصی است. برای آموزش عالی این عبارت شامل یک سری از فعالیت هایی است که در دانشگاه اتفاق می افتد و باعث می شود تا دانشگاه ها خدماتی را که دولت به نام الزامات مالی به آنها عرضه می کند، قطع کنند و به یافتن منابع جدید مالی بپردازنند، تصدی گری

دولت را کاهش و شهریه‌ها و حق التدریس را افزایش دهند. این موضوع دقیقاً برخلاف استانداردهای دولتی است. همچنین خصوصی‌سازی شامل تمرکز بیشتر بر تصمیم گیری در داخل دانشگاه، افزایش استقلال علمی و توسعه منابع مالی خصوصی است. بطور کلی خصوصی‌سازی سبب افزایش فشار بر دانشگاه‌ها به منظور افزایش کارایی، پی‌گیری و دستیابی به اهدافشان و در آمد بیشتر می‌گردد (نی، ۲۰۰۴: ۳۴). خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها نقشی حیاتی در هدایت تحصیلی دانشجویان برای دست یابی به چشم اندازهای تحصیلی شان بازی می‌کند و به دنبال دست یابی به حداقل کارایی و بهره‌وری و درآمد است (بیستانگ، ۲۰۰۵: ۴). از طرفی بخش خصوصی آموزش عالی برای استمرار بقای فعالیت خود مجبور به ارتقای سطح و کیفیت فعالیت و کاهش هزینه است. بنابراین حضور پررنگ تر بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی است (نی استیون، ۲۰۰۲: ۳۵). نیز معمولاً می‌تواند یک عامل کمک کننده به استقلال<sup>۱</sup> دانشگاهی باشد. شرایط جامعه بزرگتر محیط بر هر مؤسسه، ناگزیر استقلال سازمانی را محدود می‌سازد. در حالت عادی، که مؤسسه آموزش عالی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، بودجه قابل توجهی از دولت دریافت می‌کند، طبیعی است که دولت به چگونه هزینه شدن بودجه علاقمند باشد (رحمانی میانده و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵). استقلال دانشگاهی و مدیریت خودگردان دانشگاه را خود دانشگاهیان تعریف کرده‌اند؛ بدین صورت که دانشگاهیان خود نظام دانشگاهی را کنترل می‌کنند و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می‌گیرند و این حالتی است که دانشگاه بتواند از قید و بند دولتی رها باشد، بتواند امور داخلی خود را آزادانه اداره کند، منابع مالی را خود تخصیص دهد، از منابع غیر دولتی تامین در آمد کند، هیأت علمی مورد نیاز را با توجه به نیازهای داخلی‌اش استخدام کند و بالاخره این که شرایط آموزشی و پژوهشی خود را تعیین نماید بدین ترتیب، استقلال دانشگاهی به موقعیتی اطلاق می‌شود که مؤسسه آموزش عالی مجاز باشد بدون دخالت و تأثیر مستقیم نیروی خارج از دانشگاه، به اداره امور پردازد. (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۱)

---

<sup>۱</sup>. Autonomy

در همین راستا یکی از مهمترین مسائل « وجود آزادی علمی<sup>۱</sup> » در دانشگاه هاست معنای آزادی علمی آن است که اعضای جامعه علمی در فعالیت های تحقیقاتی ، آموزشی و تحصیلی و خدمات و مشارکت های علمی خود از هرگونه تبعیض مصون باشند و هیچ گونه مداخله یا سرکوب از سوی دولت ها یا دیگر سازمان ها و منابع آن ها را تهدید نکند). خدمات دانشگاهی جهان<sup>۲</sup> ، ۲۰۰۲ ) لات <sup>۳</sup> تأمین زیاده از حد دانشگاه از طریق بودجه دولتی را مهمترین مانع تحقق آزادی علمی دانسته است. به نظر وی ، میان آزادی علمی و تأمین بودجه صرفاً از طریق دولت نوعی تناقض وجود دارد. مدیران یک چنین دانشگاهی ممکن است شعارهای بلند و بالای استقلال و آزادی را تکرار کنند ولی در عمل اتفاق دیگری می افتد (لات، ۱۹۹۰ : ۱۱۳). امروزه در اغلب کشورها اصلاح یا تحول در نظام تخصیص منابع مالی به عنوان ابزار مهمی در زمینه مدیریت نظام آموزش عالی در نظر گرفته شده(عزمی و نادری، ۱۳۸۸ : ۲۵). به گونه ای که به آرامی به مؤسسه ای که بیش از پیش با محركه های بازار رقابتی و الزامات بازرگانی و اقتصادی هدایت می شوند، تبدیل شده و از هویت دولتی خود فاصله گرفته اند، چنان که امروزه بسیاری از این مؤسسه در صد بالایی از منابع خود را از منابع خارجی، شرکت ها و مؤسسه اقتصادی و بازرگانی تأمین می کنند. (مهرگان و دهقان نیری، ۱۳۸۸ : ۵۸) دانشگاه ها دیگر در دنیای رقابتی تر شده امروز به ندرت صرفاً به صورت یک مؤسسه غیر انتفاعی تلقی می شوند و کم و بیش ناگزیر می شوند که برای تنوع و توسعه منابع مالی و اعتباری خود، با بنگاه ها تعامل پیش بگیرند و از سرمایه ها و امکانات و تجهیزات و اطلاعات آن ها استفاده کنند و از منابع اختصاصی برای خود تولید درآمد کنند(اترکویتن، ۲۰۰۱ : ۱۸). اهمیت موسسات آموزش عالی خصوصی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. مثلاً در مکریک یک بخش خصوصی آموزش عالی که با بخش بازرگانی و صنعت گره خورده در مقابل بخش دولتی و امانده به گونه ای برجسته خود نمایی می کند. در عوض در برزیل یک بخش خصوصی کم اعتبار ، ولی با قابلیت عظیم جذب تقاضا وجود دارد. (جونز، ۱۳۸۳ : ۴۹۰).

<sup>1</sup>. Academic freedom<sup>2</sup>. world university service<sup>3</sup>. Lott

تحقیقات بیانگر این مطلب است که همواره کشورها سیاست‌های متفاوتی را جهت گسترش بخش خصوصی اتخاذ نموده‌اند که مهمترین آنها چگونگی تأمین منابع مالی است. برای افزایش منابع مالی در بخش خصوصی آموزش می‌توان به مواردی چون کمک‌های مردمی، اخذ مالیات، اخذ شهریه در کنار اعطای وام و بورس تحصیلی اشاره نمود ( محمودی، ۱۳۷۵). خصیصه مشترک تدارک آموزش عالی آن است که شهریه یکی از منابع اصلی درآمد به شمار آید (بoid، ۱۹۹۹: ۱۲۱۸). بطوريکه برای مثال ۵۰ درصد دانشجویان در اوکراین (کابینه وزرای اوکراین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) ۷۳ درصد در برزیل و ۸۳ درصد در ایران (وب سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) شهریه می‌پردازند و این سبب شده تا دانشجویان از خانواده‌های کم در آمدتر در دسترسی به آموزش عالی با مشکل مواجه شوند. از این رو دولت‌ها می‌کوشند تا با اعطای کمک هزینه‌ها، وام و بورس‌های تحصیلی و تسهیلات ویژه‌ای چون هدایا و جوايز بر این مشکل غلبه کنند. براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال تحصیلی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ کشورهای عضو این سازمان به طور متوسط برای هر دانشجوی تمام وقت بالغ بر ۸۴۰۰ دلار هزینه کرده‌اند. در حالی که ایالات متحده در همین سال تحصیلی برای هر دانشجوی تمام وقت خود حدود ۱۹۰۰۰ دلار، هزینه نموده است. (گزارش موسسه پژوهشی هزینه پروژه دلتا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) در برخی از کشورها نیز تعداد خاصی از دانشگاه‌های رایگان (یا با هزینه‌های خیلی پایین) وجود دارند که دولت به آن‌ها کمک‌هایی اعطا می‌کند. (مارکوچی و جانستون، ۲۰۰۷: ۳۷) همچنین در برخی کشورها، دولت‌ها مردم را تشویق می‌کنند که به بخش خصوصی آموزش عالی کمک کنند. این امر مستلزم ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت‌هایی است که تمایل به پرداخت کمک‌های مالی برای مقاصد آموزشی دارند. چنین سیاست‌هایی در ایالات متحده آمریکا اجرا شده و به NGO‌ها اجازه داده می‌شود تا میلیاردها دلار به عنوان کمک‌های مالی جمع آوری کنند در سال تحصیلی

<sup>1</sup>. Cabinet of Ministers of Ukraine Decree

<sup>2</sup>. A Report of the Delta Cost Project. American institute for research

۲۰۰۹-۲۰۰۸ خیرین حدود ۲۸ میلیارد دلار به دانشگاه‌های امریکائی کمک نموده  
اند.(انجمن کمک به آموزش<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰،)

### وضعیت خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

نظام عالی کشورمان طی چند دهه اخیر با چالش‌های متعددی نظیر رشد فزاینده متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی بیشتر و... مواجه بوده است. کمبود منابع مالی مورد نیاز مؤسسات آموزشی برای توسعه دانشگاه‌ها و پاسخ‌گویی به نیازهای مزبور به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اصلی نظام آموزش عالی کشورمان مطرح بوده است. به همین علت، در آموزش عالی ایران الزامات قانونی مورد نیاز به منظور پاسخ‌گویی به چنین چالش‌هایی پیش‌بینی شده و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز دستخوش تحولات زیادی شده‌اند(گزارش ملی آموزش عالی کشور، ۱۳۸۷). چالش مهم دانشگاه‌های ایران در این زمان: کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی<sup>۲</sup> و آزادی علمی به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه، افزایش اثر بخشی اجتماعی و پاسخ‌گویی به دولت و جامعه و تحولات بازارکار و فناوریهای جدید است. هر چند که این رویکرد در تعارض با نظام اداری و تصمیم‌گیری متمرکز کشور است و به همین دلیل هم با مقاومت روپرتو شده و می‌شود(معین، ۱۳۸۳: ۱۹). با این وجود در ده سال گذشته کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران از رشد خوبی برخوردار بوده است. هم اکنون حدود سه میلیون و هفتاد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیل‌اند که در این میان سهم بخش غیر دولتی غیر قابل انکار است. (آراسته و اسفندیاری، ۱۳۸۹: ۱۶).

بحث خصوصی‌سازی در آموزش عالی برای اولین بار در سال ۱۳۷۳، با مساله خصوصی‌سازی و واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح شد. این طرح که

<sup>1</sup>. Council for aid to Education

<sup>2</sup>. Institutional Autonomy

به دلیل محدودیت شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. همچنین مصوبه برنامه دوم توسعه مبنی بر پرداخت ۳۰ درصد هزینه تحصیل از سوی دانشجو نیز به تصویب نرسید. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵). در بند ۴ و ۵ خطمهشی‌های اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه، بر ایجاد زمینه‌های مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی غیردولتی تاکید شده و این روند توسط دولت پی‌گیری شده است. در این راستا ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و نمود آن در برنامه چهارم توسعه تأکیدی بر ادامه سیاست‌های اعمال محدودیت تصدی گری دولت و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاست‌های این اصل می‌تواند زمینه‌های لازم را در جهت اجرای خصوصی‌سازی در دانشگاه‌ها را فراهم آورد. نمونه‌های ذیل شکل هایی از آموزش عالی خصوصی در ایران است:

- ۱- مؤسستی که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگانی نظیر دانشجویان یا کارفرمایان تأمین می‌کند، اما تحت نظر برنامه ریزی‌های دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌شوند ، مانند دانشگاه-های غیر انتفاعی و آزاد.
- ۲- شکل میانه‌ای از خصوصی‌سازی که در آن دولت با اهداف غیر انتفاعی، آموزش عالی را ارائه می‌دهد، اما سهم قابل توجهی از منابع آن از دولت، دانشجویان و خانواده‌های آنان تأمین می‌شود، مانند دوره‌های شبانه و کارشناسی ارشد آموزش محور (رحیمی کلیشادی، ۱۳۸۸). در مورد ایران به طور کلی به نظر می‌رسد که هزینه و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسست آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسست آموزش عالی دولتی بسیار بالاست ، بطوری که تنها دارندگان درآمدهای متسط و بالا قادرند در این مراکز تحصیل نمایند و دانشجویان کم درآمد و بی‌بضاعت به واسطه اینکه توانایی پرداخت مخارج و شهریه این دانشگاه‌ها و مؤسست را ندارند، از گردونه انتخاب خارج می‌شوند. از سویی دیگر گرچه نظام آموزش عالی در این کشور یک نظام مرکز محسوب می‌شود که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن توسط چند دستگاه رسمی دولتی انجام می‌گیرد، اما عمدۀ هزینه‌های آن بر دوش مردم است، به طوری که بیش از چهار پنجم دانشجویان در ایران در دوره‌های شهریه‌ای مشغول به تحصیل اند و بخش عمومی، مسئولیت کمی در قبال تأمین هزینه‌های آموزش عالی بر عهده دارد (روشن، ۱۳۸۸).

(۱۱۵:)

### پیشینه تحقیق

در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی در کشور و خارج از آن تحقیقات متعددی صورت گرفته است. برای نمونه رفیع پور (۱۳۸۱)، به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس پرداخت. نتایج تحقیقات وی نشان داد که خصوصی سازی سبب افزایش کارایی و نیز بهبود کیفیت خدمات ارائه شده توسط واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی می‌گردد. تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، دیدگاههای موافقان و مخالفان خصوصی سازی آموزش عالی را مورد ارزیابی قرار دادند. ملکی (۱۳۸۵)، مؤلفه‌های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور را تعیین و با شناسایی هفت مؤلفه اصلی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزش و فرهنگ، جهانی شدن، ساختاری و مجازی) مؤلفه‌های موثرتر را شناسایی و در نهایت مدلی را استخراج و ارائه نمود. ذاکر صالحی (۱۳۸۸)، نیز به بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران پرداخته و در نهایت راهکارهایی را ارائه نمود. جعفر (۱۳۸۹)، در مقاله خود به ارائه مدلی مناسب برای خصوصی سازی آموزش و پژوهش در ایران پرداخت. اسمولیکز (۱۹۹۹)، خصوصی سازی در آموزش عالی چهار کشور فیلیپین، استرالیا، لهستان و ایران را مورد بررسی قرار داد. وی به بررسی شرایط و سیستم آموزش عالی در این چهار کشور اکتفا نموده و بیان می‌نماید که شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کدام از این کشورها، نوعی از خصوصی سازی را می‌طلبند و نمی‌توان یک الگوی جامع را برای همه کشورها ارائه نمود. مک کوان (۲۰۰۴)، رشد و کیفیت دانشگاه‌های خصوصی شده در برزیل را مورد تحقیق قرار داد و مورا (۲۰۰۵)، در بررسی و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آمریکای لاتین، بیان نمود که مشکل عمدۀ در این کشورها، فقر مردم است که مانع از پیشبرد طرح‌های خصوصی سازی می‌گردد. استرومکویست (۲۰۰۶) در تحقیق خود به رابطه‌ی بین تجاری سازی و خصوصی سازی در آموزش عالی پرداخت. سیوالینگام (۲۰۰۶)، در مقاله خود فاکتورهای ظاهری حاصل از خصوصی سازی دانشگاه‌ها یعنی کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیتی را در مالزی طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۶، مورد تحقیق قرار داد. لیال و همکارش (۲۰۰۶) نیز در مقاله‌ای روند

خصوصی‌سازی در آموزش عالی آمریکا را بررسی کرده و بیان می‌دارند که میزان واقعی حمایت‌های مالی ایالتی از دانشگاه‌ها در این کشور به نسبت گذشته کاهش یافته است به گونه‌ای که دانشگاه‌های ایالتی مجبورند به سراغ سایر منابع تامین مالی (به خصوص افزایش شهریه) بروند. تیلاک (۲۰۰۸)، با توجه به تفاوت‌های موجود در تقاضای ورود به دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف آسیایی، گرایش دولت‌ها به خصوصی‌سازی آموزش عالی را در ۱۱ کشور این قاره مورد تحقیق قرار داد. هلزهکر و همکارانش (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها را در ۴ کشور اوکراین، مغولستان، بزریل و هلند را بررسی کردند. در مقطع اخیر تحقیقاتی که به طور جامع به بررسی خصوصی‌سازی در آموزش عالی و دانشگاه‌های دولتی کشور پردازد، صورت نپذیرفته است و این ضرورت بررسی و تحقیق در این رابطه را آشکارتر می‌سازد.

### اهداف پژوهش

هدف از این تحقیق دستیابی به موارد زیر است: ۱- راهکارهایی جهت کمک به فرایند خصوصی‌سازی و تسريع در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران- ۲- تبیین و مشخص نمودن موضع و چالش‌های پیرامون خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی کشور. ۳- ارائه راهکار به منظور استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در دانشگاهها و موسسات پژوهشی وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری و تحقق اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور. ۴- کمک به ایجاد بازاری رقابتی در میان دانشگاه‌های دولتی به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی . ۵- ارائه راهکار به منظور افزایش درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی.

### سؤالات پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش سوالات زیر به عنوان سوال‌های اصلی مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرند: ۱- سیاست‌های مناسب برای خصوصی‌سازی در نظام آموزش عالی کشور کدام است؟ ۲- مهمترین موضع پیشاروی خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی کشور

چیست؟ در راستای سؤال دوم تحقیق سؤالات فرعی به صورت زیر سامان یافته است:  
 مهمترین موانع قانونی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور کدام است؟  
 مهمترین موانع اقتصادی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور  
 چیست؟ مهمترین موانع سیاسی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های دولتی کشور چه  
 می‌تواند باشد؟ مهمترین موانع ساختار اداری پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های  
 دولتی کشور کدامند؟ مهمترین موانع آموزشی پیشاروی خصوصی سازی دانشگاه‌های  
 دولتی کشور چیست؟ مهمترین موانع فرهنگی و اجتماعی پیشاروی خصوصی سازی  
 دانشگاه‌های دولتی کشور چیست؟

### روش پژوهش

این پژوهش متکی بر یک مطالعه زمینه یا ب از نوع اکتشافی و بصورت کیفی و کمی است  
 که در بخش ادبیات نظری از روش مطالعات استنادی استفاده شده است. در این مقاله  
 تلاش گردیده تا با استفاده از نظرات کارشناسان تصویر جامع تری از موانع خصوصی  
 سازی دانشگاه‌ها در کشور ارائه و مهمترین آن‌ها معلوم گردد؛ هم‌چنین بصورت هم‌زمان  
 با استفاده از نظرات استادان و مدیران دانشگاهی و روسای موسسات غیر انتفاعی،  
 راهکارهایی جهت کاهش و یا رفع این چالش‌ها اخذ و طبقه‌بندی شده است.  
 مطالعات میدانی تحقیق این تحقیق در سه مرحله صورت پذیرفته است:

مرحله اول : از آن جایی که موضوع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران موضوعی  
 است غیر ساختمند و پیچیده؛ به منظور استخراج موانع پیشاروی آن از روش مصاحبه  
 استفاده شده است. در این راستا با توجه به مطالعه ادبیات نظری و تحقیق‌های صورت  
 گرفته توسط نویسنده‌گان مقاله شش مانع اصلی (با توجه به سؤال‌های تحقیق)، انتخاب و  
 سپس سؤالات مصاحبه با توجه به اهداف تحقیق و سؤالات مربوط به صورت نوع نیمه  
 ساختمند و محقق ساخته تهیه و تدوین گردید. در این میان ۲۰ تن از استادی شاغل به  
 تدریس و کارشناسان مربوطه در حوزه‌های آموزش عالی، علوم سیاسی، اقتصاد و حقوق  
 و علوم اجتماعی انتخاب شدند (دلیل انتخاب این افراد ارتباط ابعاد شش گانه سؤالات

فرعی تحقیق با تخصص این افراد می‌باشد). در زمان مصاحبه نخست در خصوص هدف کلی تحقیق و سوالات اصلی و فرعی آن، توضیحات لازم داده می‌شد و پس از آن سوالات مربوطه مطرح می‌گردید. با وجود محدودیت وسعت جامعه، از طریق مصاحبه‌های عمیق و به روش تحلیل محتوی – تحلیل متن – اعماق و زوایای موضوع مورد بررسی قرار گرفته و موضع موجود، در شش بعد استخراج گردیدند. لازم به ذکر است که شیوه تحلیل متن مصاحبه به شکل قیاسی بوده است. بدین منظور با توجه به مطالعات نگارندگان ، موضع اصلی را مشخص و سپس در تحلیل یافته‌ها در مرحله مصاحبه مصاديق و مؤلفه‌های مربوط به هر دسته از موضع بدست آمده است. مرحله دوم: به کمک مؤلفه‌ها (موضع) بدست آمده پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۶ سؤال (با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳) با شش متغیر به شیوه لیکرت طراحی شد. جامعه آماری در این مرحله از تحقیق، شامل متخصصین و کارشناسان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی در تهران می‌باشد با توجه به نامحدود بودن تعداد اعضای جامعه آماری ، حجم نمونه به روش تصادفی خوش ای انتخاب گردید که شامل اساتید و اعضای هیأت علمی دانشکده‌های مدیریت و علوم اقتصاد سه دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و تربیت مدرس (با سطح تحصیلات دکتری) می‌باشند. در این تحقیق کلیه ای اساتید و اعضای هیأت علمی این ۶، دانشکده مورد توجه بوده اند اما به لحاظ عدم همکاری و یا عدم حضور افراد و نیز محدودیت‌های زمانی مجموعاً حجم نمونه گیری بالغ بر ۱۱۴ تن گردید که پس از توزیع پرسشنامه در بین این افراد، ۹۳ پرسشنامه (۵۸ درصد) به محققین بازگردانده شد. پس از اجرای پرسشنامه‌ها ، داده‌های خام پژوهش ، از پرسشنامه‌ها استخراج و در جدول اطلاعات کلی تنظیم شد ، سپس کلیه اطلاعات از طریق نرم افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مرحله سوم: در این مرحله به منظور ارائه راهکارهایی مناسب جهت رفع مهمترین موضع استخراجی از پرسشنامه‌ای باز طراحی گردیده و از ۴۰ تن از مدیران مؤسسات غیر انتفاعی خواسته شد تا برای موضع ذکر شده راه کارهایی را پیشنهاد نمایند. سپس مهمترین راهکارها بدست آمد.

## یافته ها

یافته اول: استخراج چالش ها و موانع خصوصی سازی دانشگاه ها از دیدگاه پاسخگویان: در مرحله اول تحقیق و در مسیر مطالعات استنادی و پس از آن فرآیند برگزاری مصاحبه عمیق با کارشناسان ، ۲۶ مسئله یا مشکل عمده در اجرای خصوصی سازی آموزش عالی مشخص و دسته بندی شد. این چالش ها در شش بعد (براساس سؤالات فرعی تحقیق) استخراج گردیدند که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. معرف های بدست آمده از منظر پاسخگویان

مؤلفه	ردیف	متغیرها	مؤلفه	ردیف	متغیرها
وجود دیوان سالاریعمیقو کاغذ بازی	۱۴	موانع ساختارادراری	تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش(اصل قانون ۳۰ اساسی)	۱	موانع قانونی
وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی	۱۵		فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی	۲	
نامناسب بودن و یا فقدان سیاست ها و روش های توسعه ای مشارکت مردمی	۱۶		مغایرت خصوصی سازی دانشگاه ها ، با اصل عدالت اجتماعی	۳	
وجود فعالیت های دو گانه دانشگاه- های دولتی (مانند دوره های شبانه در کنار دوره های روزانه)	۱۷		وجود قوانین منطبق بر نمرکز گرایی دولتی	۴	
فقدان آزادی علمی دانشگاه ها	۱۸		غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور	۵	
اعتقاد به مدرک گرایی و کاهش کیفیت آموزشی در صورت خصوصی سازی دانشگاه ها	۱۹		پایین بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم توان پرداخت شهریه	۶	موانع اقتصادی
طبقه بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی	۲۰		نبود فضای رقابتی مناسب، ناشی از اعمال نفوذ وابستگان به دولت	۷	
عدم شفافیت و نبود آگاهی لازم در مورد روش های خصوصی سازی و فواید آن در سطح جامعه	۲۲	موانع فرهنگی و اجتماعی	نایابداری وضعیت اقتصادی کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی	۸	

نگرش منفی نسبت به خصوصی سازی آموزش عالی	۲۲		غیر اقتصادی بودن فعالیت های آموزشی و عدم بازگشت سرمایه	۹	
تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان	۲۳		انحصار فعالیت بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبیه دولتی	۱۰	موانع سیاسی
ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، اشتغال و ...)	۲۴		عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط	۱۱	
عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه ها به دور از دخالت های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی)	۲۵		عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاستگذاران و مدیران در کشور	۱۲	
ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها	۲۶		عدم وجود امکان نظارت درست بر فعالیت های دولت	۱۳	

**یافته دوم:** بررسی پرسشنامه ها و کشف اهمیت موانع از دیدگاه پاسخ دهنده‌گان : در مرحله دوم تحقیق ، و پس از جمع آوری پرسشنامه ها ، اطلاعات حاصل از تحلیل داده های جمعیت شناختی نمونه آماری استخراج گردید (جدول ۲) - لازم به ذکر است که نمامی افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده اند - و سپس میزان پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه بسته بدست آمد. نتایج حاصل از ارزیابی اولیه در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است .

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس جنسیت و گروه سنی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	گروه سنی	درصد	فراوانی	جنسیت
۱۹.۳۵	۱۸	۳۰-۴۰	۹۰.۳۲	۸۴	مرد
۳۱.۱۸	۲۹	۴۱-۵۰	۹.۱۸	۹	زن
۴۹.۴۶	۴۶	۵۱-۶۰			
۱۰۰	۹۳	مجموع	۱۰۰	۹۳	مجموع

## جدول شماره ۳. درصد فراوانی متغیرهای تحقیق

ردیف متغیر	نام متغیر	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
متغیر اول	موانع قانونی	۹.۷	۱۷.۲	۲۵.۸	۲۹	۱۸.۳	۱۰۰
متغیر دوم	موانع اقتصادی	۸.۶	۱۲.۹	۲۱.۵	۳۷.۶	۱۹.۴	۱۰۰
متغیر سوم	موانع سیاسی	۶.۵	۱۲.۹	۲۲.۶	۳۲.۳	۲۵.۸	۱۰۰
متغیر چهارم	موانع ساختاری	۶.۵	۱۲.۹	۲۲.۶	۳۲.۳	۲۵.۸	۱۰۰
متغیر پنجم	موانع آموزشی	۷.۵	۱۷.۲	۲۲.۶	۳۶.۶	۱۶.۱	۱۰۰
متغیر ششم	موانع اجتماعی و فرهنگی	۵.۴	۱۲.۹	۲۸	۳۴.۴	۱۹.۴	۱۰۰

پس از این مرحله نتایج بوسیله نرم افزار آماری spss مورد تحلیل قرار گرفته و مهمترین موانع از دیدگاه اعضای نمونه بدست آمد. میانگین رتبه شاخصهای هر متغیر در جداول شماره ۴ الی ۹ قابل رویت است.

یافته سوم: در میان ۶ متغیر مطرح شده با درجه آزادی ۵ و درصد اطمینان ۹۹ درصد، میزان آزمون فریدمن معادل  $65/579$ ، حاصل گردید که بیانگر تفاوت معناداری میان شش متغیر موجود است. همچنین بر اساس نتایج حاصل، از میان عوامل موثر بر خصوصی سازی دانشگاه‌ها، موانع سیاسی از نظر پاسخ دهنگان مهمترین عامل بوده و کمترین اهمیت مربوط به موانع قانونی است. ترتیب این نتایج به صورت زیر می‌باشد:

موانع سیاسی < موانع ساختاری < موانع فرهنگی و اجتماعی < موانع اقتصادی < موانع آموزشی < موانع قانونی

$$۲.۹۷ < ۳.۲۰ < ۳.۴۰ < ۳.۵۹ < ۳.۹۱ < ۳.۹۲$$

یافته‌ها نشان می‌دهد که سردرگمی اعضای علمی و سرمایه‌گذاران فعال بخش خصوصی آموزش عالی، در عمل تدوین یک چشم انداز نسبتاً واقعی را غیر ممکن ساخته است. همچنین تغییرات ناشی از تعویض مدیرانو عدم درک مشترک از فعالیت خصوصی در آموزش عالی از جمله نگرانی‌های جدی است که در مصاحبه‌های صورت گرفته نیز بر آن تأکید شده است. به علاوه سیاست‌های جدید آموزش عالی در بخش‌های دانشگاه پیام نور و شبانه و نیز دانشگاه آزاد و نامعلوم بودن این روند از منظر جامعه آماری این تحقیق

نوعی انحصار گرایی در بخش آموزش عالی خصوصی و گسترش تصدی گری توسط دولت را به دنبال داشته است. از جهتی یک سویه بودن رابطه وزارت علوم با موسسات خصوصی و عدم طرح مسائل و مشکلات این موسسه ها در میان سیاستگذاران، در مجموع مانع سیاسی را به اصلی ترین موانع فعالیت در این عرصه تبدیل نموده است.

#### یافته چهارم:

جدول شماره ۴. میانگین رتبه شاخص ها ای مربوط به متغیر اول طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر اول
۲۸۶	فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی	۱	موانع قانونی
۲۵۸	وجود قوانین منطبق بر تمرکز گرایی دولتی	۲	
۲۳۴	مغایرت خصوصی‌سازی دانشگاه ها، با اصل عدالت اجتماعی	۳	
۲۲۲	تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش (اصل ۳۰ قانون اساسی)	۴	

طبق آزمون فریدمن و تخصیص رتبه ها بر اساس جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که در میان موانع قانونی، فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش آموزش عالی با بیشترین میانگین میان شاخص های مربوطه از بیشترین اهمیت برخوردار است. پس از آن وجود قوانین منطبق بر تمرکز گرایی دولتی از مهمترین موانع بوده و تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش (اصل ۳۰ قانون اساسی) از کمترین اهمیت برخوردار می‌باشد. از طرفی چون بطور کلی در ایران، امر کارآفرینی و سرمایه‌گذاری نوعی ارزش محسوب نمی‌شود، فعالیت خصوصی، شبیه به فعالیت سرمایه داری با عواقب منفی آن تلقی می‌شود که ارزش های سه دهه اخیر در ایران و به خصوص ارزش های انقلاب اسلامی در کشور، آن را تقویت نموده است و این امر قابل تعمیم به تمام بخش های خصوصی بوده و دانشگاه ها نیز از این مستله قابل تفکیک نیستند. از سویی دیگر به رغم تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش، با توجه به تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور و موسسات غیرانتفاعی و نیز گرفتن دانشجوی دوره های شبانه توسط دانشگاه های دولتی، تقریباً این اصل متفقی است؛ لیکن با این وجود در زمان تصویب قوانین برای

دانشگاه‌های آزاد غیردولتی نوعی دیدگاه از جنبه عدالت اجتماعی حاکم بوده و فقدان پشتونه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در این امر احساس می‌گردد.

#### یافه پنجم:

جدول شماره ۵. میانگین رتبه شاخص‌ها ای مریبوط به متغیر دوم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر دوم
			موانع اقتصادی
۳.۴۷	پایین بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم توان پرداخت شهریه	۱	
۳.۴۲	نیو فضای رقابتی مناسب، ناشی از اعمال نفوذ وابستگان به دولت	۲	
۳.۳۴	غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور	۳	
۲.۶۴	ناپایداری وضعیت اقتصادی کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی	۴	
۲.۱۳	غیر اقتصادی بودن فعالیت‌های آموزشی و عدم بازگشت سرمایه	۵	

در مورد موافع اقتصادی خصوصی سازی دانشگاه‌ها، طیفی از پایین بودن قدرت اقتصادی مردم تا غیر اقتصادی بودن سرمایه‌گذاری در بخش آموزش مورد بحث است. براین اساس اگر دریافت خدمات آموزشی را در سبد هزینه خانواده‌ها قرار دهیم مطالعات بیانگر این موضوع است که با توجه به افزایش تمایل به تحصیل، در دو دهه اخیر، خانوارها تمایلی جهت کاستن از سبد هزینه کالاهای دیگر و افزایش قدرت ادامه تحصیل فرزندانشان را نشان می‌دهند که البته این علاقه به بالا رفتن سطح تحصیلات در میان خانواده‌ها و تبدیل شدن آن به یک معیار مثبت در جامعه از بعد فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی است. یافته دیگری که از این پیمایش بدست آمد نشان می‌دهد که بطور کلی فعالیت در عرصه آموزش عالی کشورمان فاقد فضای رقابتی مناسب است و شرایط به گونه‌ای است که دولت خود به عنوان یک رقیب اصلی برای بخش خصوصی عمل کرده و قدرت رقابت را از بخش خصوصی سلب می‌نماید برای مثال دانشگاه آزاد نمی‌تواند یک دانشگاه خصوصی تلقی گردد. پیام نور یک دانشگاه دولتی است که بصورت خصوصی عمل می‌کند، از طرف دیگر شبانه شدن دانشگاه‌های دولتی و همینطور اخذ دانشجو در مؤسسات غیر انتفاعی وابسته به شرکت‌های دولتی و بطور کلی نظارت گسترده و جزئی

وزارت علوم بر سایر موسسات غیر انتفاعی تاییدی بر این مسئله است که خود دولت رقیب اصلی برای بخش خصوصی است. در این راستا نظرات اخذ شده از جامعه آماری تحقیق نشان می دهد که اعمال نفوذ افراد و وابستگان به دولت ها برای گرفتن مجوز، خود به نوعی سبب غیر رقابتی شدن فعالیت ها در این بخش می گردد. یکی دیگر از مسائلی که در یافته های این تحقیق رتبه سوم را به خود اختصاص داد، غیر عادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور است. مطالعات نشان می دهد که اقشار شهری و یا افراد ساکن شهرهای کوچک به نسبت اقشار روستایی با توجه به درآمد بالاتری که دارند مشارکت بیشتری را در دانشگاه های خصوصی داشته و می توانند از عهده پرداخت شهریه این دانشگاه ها برآیند. همچنین بی ثباتی وضع اقتصادی کشور یکی دیگر از عوامل عدم تمایل به سرمایه گذاری در این بخش است. ناپایداری وضعیت کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی ناشی از تصمیمات متفرقه ای که در دولت گرفته می شود و حتی سخنرانی ها و بحث هایی که پیرامون بخش خصوصی آموزش عالی صورت می گیرد، تزلزل هایی را در امر سرمایه گذاری در این بخش به دنبال دارد.

#### یافته ششم:

جدول شماره ۶ میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر سوم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر سوم
۲.۶۷	عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاست گذاران و مدیران در کشور	۱	موانع سیاسی
۲.۵۴	عدم وجود امکان نظارت درست بر فعالیت های دولت	۲	
۲.۵۲	انحصار فعالیت بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبیه دولتی	۳	
۲.۲۶	عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط	۴	

طبق نتایج به دست آمده از جدول ۶، عدم تداوم سیاست های خصوصی سازی با تعویض سیاست گذاران و مدیران در کشور با بالاترین میانگین بیشترین سهم و عدم انطباق عملکرد دولت با سیاست های کلی اصل ۴۴ و سیاست های مربوط با پایین ترین میانگین کمترین سهم را در موافع سیاسی دارد. عدم ثبات در سیاست های خصوصی سازی و تعویض این سیاست ها با تعویض مدیران آموزش عالی یکی از مهمترین موافعی است که افراد جامعه

آماری این تحقیق به آن اشاره نموده اند. حتی تغییرات نگرشی نسبت به سهامداران و نفوذ افرادی که مجوز های لازم را اخذ می کنند در راستای تغییر دولت ها و تغییر سیاست های مربوطه صورت می گیرد. مورد بعدی وارد شدن دولت به عنوان یک بنگاه اقتصادی در بخش آموزش عالی کشور است، همانگونه که در مورد موانع اقتصادی نیز گفته شده دولت به عنوان رقیب اصلی بخش خصوصی وارد عمل می شود و این خود نه تنها سبب عدم امکان نظارت درست بر فعالیت های دولت خواهد شد ، بلکه به نوعی بر تمامی فعالیت های خصوصی سازی کترل و نظارت خواهد داشت. شواهد نشان می دهد که دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۸۴، با باز نمودن ورودی های خود، به عنوان یک رقیب اصلی برای دانشگاه آزاد اسلامی وارد صحنه شد و با کاهش ظرفیت های دانشگاه آزاد بر تعداد دانشجویان خود افزود. به همین ترتیب در موسسه های غیر انتفاعی نیز وزارت علوم با جذب دانشجو، تخصیص دانشجویان به هر مؤسسه نیز اقتصادی این مؤسسات را در دست گرفته و امور را کنترل می نماید. همچنین مدامی که دولت در دانشگاه هایی چون «دانشگاه پیام نور»، به امر خصوصی سازی اشتغال داشته و آن را گسترش می دهد، تعداد دانشجویان مؤسسات غیر انتفاعی کاهش می یابد و این سبب می گردد تا منحنی تقاضای آموزش برای موسسات غیرانتفاعی رو به پایین باشد و این خود نوعی نگرانی را برای این مؤسسات به دنبال دارد.

#### یافته هفتمن:

جدول شماره ۷. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر چهارم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر چهارم
۲.۷۷	وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی	۱	موانع ساختار اداری
۲.۶۸	نامناسب بودن و یا فقدان سیاست ها و روش های توسعه مشارکت مردمی	۲	
۲.۳۸	وجود دیوان سalariumقو کاغذ بازی	۳	
۲.۱۷	وجود فعالیت های دو گانه دانشگاه های دولتی (مانند دوره های شبانه در کنار دوره های روزانه)	۴	

در بررسی شاخص های مربوط به موانع ساختار اداری نیز وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی با بالاترین میانگین بیشترین سهم و وجود فعالیت های دو گانه

دانشگاه‌های دولتی (مانند دوره شبانه در کنار دوره‌های روزانه) با پایین ترین میانگین کمترین سهم را به خود اختصاص داده است. تحقیق حاضرنشان می‌دهد که ساختار آموزش عالی در کشور به گونه‌ای است که دادن مجوز به شکلی سلیقه‌ای صورت گرفته و رویکردی تسهیل گرانه ندارد، همچنین ساختار نظام‌های کنترلی و نظارتی دارای شرایط یکسان و تثبیت شده‌ای نیست. روشن نبودن سیاست‌های توسعه مشارکت مردمی و نیز دیوان سalarی و روان نبودن کار در وزارت علوم و قرار گرفتن آن با ساختاری دولتی برای انجام فعالیت‌های خصوصی در مؤسسات خصوصی از دیگر موانع موجود می‌باشد.

#### یافته هشتم :

جدول شماره ۸. میانگین رتبه شاخص‌ها ای مربوط به متغیر پنجم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر پنجم
۲.۲۶	فقدان آزادی علمی دانشگاه‌ها	۱	موانع آمورشی
۲.۱۰	اعتقاد به مدرک گرایی و کاهش کیفیت آموزشی در صورت خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها	۲	
۱.۶۳	طبقه‌بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی	۳	

طبق نتایج به دست آمده از جدول فوق ، فقدان آزادی علمی دانشگاه‌ها با بالاترین میانگین بیشترین سهم و طبقه‌بندی و ایجاد تمایز بین دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با پایین ترین میانگین ، کمترین سهم را در موانع آموزشی دارد. یکی از مهمترین موانع در میان موانع آموزشی عدم وجود آزادی علمی در موسسات خصوصی برای گسترش فعالیت‌های علمی و پژوهشی است. وجود استانداردهای وزارت علوم برای محدود کردن فعالیت‌ها و از سویی تمایل به تخصیص هزینه‌های پایین در انجام فعالیت‌های علمی توسط سهام داران موسسات خصوصی آموزش عالی از مهمترین مشکلات گسترش این مراکز است. مانع آموزشی دیگر در موسسات خصوصی و دولتی اعتقاد به مدرک گرایی است. ارزش شدن کسب مدرک دانشگاهی یکی از چالش‌های اساسی در بازار عرضه و تقاضای آموزشی است و این امر سبب شده نسبت به گذشته حتی در موسسات دولتی کشورمان ، کیفیت آموزشی در حال افول باشد. از طرفی تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که توسعه و بهسازی هیأت‌های علمی در دانشگاه

های خصوصی به مراتب پایین تر و ضعیف تر از دانشگاه های دولتی است. شرایط کاری اساتید در بخش خصوصی تاثیری منفی بر نوآوری در تدریس و انعطاف پذیری در آموزش عالی دارد، بطور کلی اساتید در این مراکز دستمزد های پایینی در یافت می کنند و دلگرمی ای برای انجام پژوهش و تحقیق ندارند. بودجه های اختصاص یافته به تحقیق و پژوهش پایین بوده و از آن استقبال نمی شود. تدبیس دانشگاه های آزاد دولتی در شهرهای کوچک کشور که هیچگونه زیر بنای آموزشی ندارند خود مشکل دیگری است. طبقه بندی و تمایز فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی نیز یکی از علت های افزایش گرایش به ثبت نام در دوره های شبانه دانشگاه های دولتی نسبت به موسسات غیرانتفاعی است.

#### یافته نهم :

جدول شماره ۹. میانگین رتبه شاخص های مربوط به متغیر ششم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

Ranks	مؤلفه	ردیف	متغیر ششم
۴.۹۶	تمایل دولت به تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان	۱	موانع فرهنگی و اجتماعی
۴.۲۷	عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه ها به دور از دخالت های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی)	۲	
۳.۳۳	نگرش منفی نسبت به خصوصی سازی آموزش عالی	۳	
۳.۰۱	عدم شفاقت و نبود آگاهی لازم در مورد روش های خصوصی سازی و فواید آن در سطح جامعه	۴	
۲.۸۳	ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، باشغال و ...)	۵	
۲.۶۰	ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها	۶	

میانگین رتبه های جدول فوق نشان می دهد که تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها و دانشجویان از دیدگاه پاسخگوییان دارای بیشترین و ترس از فاصله گرفتن از ارزش های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه ها دارای کمترین اهمیت است و سایر شاخص ها به ترتیب فوق بین این دو عامل قرار دارند. در این تحقیق به رغم تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، این دو در یک شاخص مورد بررسی قرار گرفته اند. به طور کلی از نظر جامعه آماری مورد مطالعه، تمایل دولت به تسلط و دخالت در امور

اجتماعی دانشگاه‌ها یکی از موانع جدی شکل گیری دانشگاه‌ها در بخش خصوصی است، در حقیقت سیاست‌های کنترلی و نظارتی بسیار شدید هرگونه قدرت انعطاف را سلب نموده است. هم‌چنین در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی نوعی عدم اعتماد وجود دارد و همان‌گونه که در مباحث قانونی عنوان شد اساساً از نظر ارزشی یک نگرش منفی نسبت به امر خصوصی‌سازی به چشم می‌خورد. از دیگر مشکلات فرهنگی در سطح جامعه عدم شفافیت و آگاهی لازم در مورد روش‌های خصوصی‌سازی است از طرفی فواید و آثار مثبت خصوصی‌سازی در این بخش نه تنها برای جامعه که برای دست اندکاران نیز به وضوح معلوم نبوده و این اعتقاد وجود ندارد که یک بخش خصوصی با ظرفیت بالا و با وجود راهکارهای توافقی برای اخذ شهریه از دانشجو می‌تواند یک فضای رقابتی مناسب را با خدمات بهتر آموزشی به وجود آورد. از دیگر موارد مطرح شده در این بخش بحث جنبش‌های دانشجویی در جوامع در حال توسعه و در حال گذاری چون ایران است و همواره یک نگرانی از فاصله گرفتن از ارزش‌های مطرح در جامعه و ارزش‌های ترویجی دولت احساس می‌گردد.

**راهکارهای پیشنهادی:** پس از شناسایی مشکلات ناظر بر هر متغیر، راهکارهایی توسط مخاطبان پیشنهاد شده است که بر اساس ابعاد شش گانه تحقیق در ذیل ارائه می‌گردد. در بررسی موضع قانونی کارشناسان حجم نمونه پیشنهاداتی را در زمینه کاهش موضع خصوصی‌سازی آموزش عالی مطرح نمودند که در جدول ۱۰، قابل رویت است:

جدول شماره ۱۰. راهکارهای قانونی

موضع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد قانونی	کاهش دخالت وزارت علوم در اداره‌ی امور و تمکر آن بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی؛
	افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
	باثبات کردن قوانین و تضمین قانونی دولت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
	تغییر مؤسسات غیر اتفاقی به موسسات آموزش عالی ملی؛
	تصویر ایجاد شده از موسسه غیر اتفاقی یک موسسه‌ی غیر سود آور است و این انگیزه سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. تغییر این نگرش می‌تواند راهکاری در جهت حل مشکلات موجود باشد؛
	تدوین و اجرای قوانین حمایتی، امنیت لازم و زمینه مساعد برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی؛
	رسیدگی به فوریت‌های حقوقی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور؛

دایمی کردن مفاد ماده ۴۹ ( استقلال و خودگردانی دانشگاه ها ):	
یکپارچه سازی قوانین و مقررات آموزش عالی با مشارکت حقوقدانان و کارشناسان خبره :	
حفظ یکپارچگی و سنتیت قوانین خصوصی سازی با سایر قوانین و مقررات کشوری :	

در بعد اقتصادی جامعه آماری تحقیق بیشترین تاکید را بر راهکارهای افزایش حمایت های مالی از دانشجویان مراکز خصوصی و جذب منابع جدید داشته اند . خلاصه پیشنهادات مطرح شده در جدول ۱۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱۱. راهکارهای اقتصادی

مانع	بعد اقتصادی	خلاصه راهکارهای اجرایی
		اصلاح بازارهای تامین بودجه ( به ویژه از راه ترغیب افزایش مشارکت مردمی و کمک های خیرین ):
		اصلاح بازار کار ( به ویژه با تاکید بر ارائه آموزش هایی برای اشتغال زایی فارغ التحصیلان ):
		رفع موانع و محدودیت های تجاری ( اعمال معافیت مالیاتی و ارائه تسهیلات بانکی به دانشگاه های خصوصی ):
		اصلاح اساسنامه «تیپ» دانشگاه ها به نحوی که تعیین تکلیف اموال مشخص بوده و به نحوی باشد که به خود سرمایه گذار برگردد:
		اعطای وام های مناسب ( well-designed loan scheme ) : میزان این وام ها به اندازه ای است که هزینه های تحصیلی و هزینه های واقعی زندگی دانشجو را پوشش دهد :
		اعطای بورس یا کمک هزینه های تحصیلی از سوی دولت که درصدی از آن از حقوق ماهیانه دانشجو و پس از فارغ التحصیلی باز پرداخت خواهد شد:
		تدوین طرح تقویت صندوق رفاه دانشجویان نظام آموزش دولتی و غیر دولتی؛
		پشتیبانی از مشارکت بخش خصوصی در اداره امور صنفی دانشجویان؛
		ایجاد تنوع در نظام پرداخت تسهیلات به دانشجویان؛
		یک نوع از طرح های ملی کمک مالی به دانشجویان نیز ، سیستم کمک به صورت مشروط است. برای مثال در هلند، کمک مالی به شکل وام صورت می گیرد اما گرفتن همه یا بخشی از آن وام بستگی به نمرات و عملکرد دانشجو دارد:
		ایجاد بسترهاي مناسب جهت ایجاد شرکت های دانشگاهی؛
		انجام تبلیغات گستره در سایر کشورها، جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهایی چون کشورهای همچو ای امریکای لاتین؛
		کمک به ایجاد نهادهای مالی ریسک پذیر در امر سرمایه گذاری در پژوهش ها؛
		موظف ساختن سازمان ها به ارجاع مشکلات خود در قالب طرح های پژوهشی؛

ایجاد انگیزه در کمک های نوع دوستانه و انجام امور خیریه؛ ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت هایی است که تمايل به پرداخت کمک های مالی برای مقاصد آموزشی دارند؛ اجرای سیاست های تشويقی مثل کاهش مالیات بر درآمد خيرین؛ اعطای اقامه طبق بانک های دولتی؛ تاسیس شرکت های مشتق از دانشگاه؛ توسعه مراکز رشد و پارک ها؛ توسعه دقایق ارتباط با صنعت؛ استفاده از فعالان صنایع در هیأت های امناء؛ رویکرد مشتری محوری در فعالیت های دانشگاهی؛ تقویت مکانیزم بازاریابی توسط دانشگاه ها؛ افزایش اعتماد صنعت به دانشگاه ها؛ اعطای مجوز فروش خدمات به بخش دولتی و خصوصی؛	گسترش رابطه صنعت و بازار و جذب منابع جدید
--	---

در بعد مسائل سیاسی صاحب نظران بر این اعتقاد بودند که عواملی چون تعویض مدیران آموزش عالی و عدم وجود بر فعالیت های دولت و نیز انحصار فعالیت های بنگاه های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبه دولتی از جمله مسائلی هستند که پیشاروی خصوصی سازی آموزش عالی قرار دارند. بر این اساس راهکارهایی کلی برای کاهش مشکلات سیاسی مطرح گردید که در جدول شماره ۲، ارائه شده است:

جدول شماره ۱۲. راهکارهای سیاسی

مانع	مانع
بعد سیاسی	ایجاد ثبات و پایداری در سیاست ها؛ کم کردن فعالیت ها و سیاست های دولت در بخش خصوصی و جلوگیری کردن از سیاست های دو گانه سهل گیرانه و سختگیرانه در برابر بخش دولتی و خصوصی؛ اتخاذ تدبیری جهت شفاف سازی درآمدها و پاسخگویی دولت؛ شایسته است دولت در سطح کلان سیاست های خود را در مقابل فرآیندهای خصوصی سازی شفاف سازد و تداوم اقدامات صورت گرفته در این زمینه را ضمین کند؛ شفاف سازی نحوه نظارت دیوان محاسبات بر دانشگاه ها؛ تعیین شاخص های نظارت بر عملکرد دانشگاه ها؛ تعیین نوع و سطوح نظارت و پاسخگویی؛
	دولت می تواند تیم هایی را با نمایندگانی حرفه ای از سازمان ها و انجمن های مختلف، و مؤسسات دولتی و خصوصی برای بحث و بررسی و اصلاح برنامه آموزشی سازماندهی کند. یک مثال خوب از چنین ابتکاری همکاری بین وزارت علوم بزرگ و کانون و کانون و کلا برای ایجاد یک برنامه درسی جدید برای رشته های حقوق و قانون گذاری است؛

استفاده دولت از اهرم های نظارتی به منظور ایجاد رقابت میان دانشگاه های خصوصی و یا مستقل؛	
ارزیابی کیفیت آموزشی و اعتبار سنجی تمام مراکز خصوصی و تمام برنامه ها و مدارک توسط دولت؛	

در بررسی موانع ساختار اداری نیز کارشناسان حجم نمونه پیشنهاداتی را در زمینه کاهش موانع خصوصی سازی آموزش عالی مطرح نمودند که در جدول ۱۳، قابل رویت است:

جدول شماره ۱۳. راهکارهای ساختاری

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد ساختار اداری	ثبت روش های توسعه مشارکت مردمی؛ کاهش دیوان سalarی در کشور؛ از بین بردن فعالیت های دو گانه دانشگاه های دولتی؛ ایجاد پایگاه اطلاعات جامع از توانایی ها و ضعف های دانشگاه های خصوصی؛ تأسیس و راه اندازی بانک اطلاعات و قوانین و مقررات آموزش عالی و مصوب؛ تقویت ستاد تحول اداری وزارت توان ار راستای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹؛ ایجاد نظام جامع ارزیابی دانشگاه های کشور؛ تامین، جذب و آموزش مدیران مالی کارآمد در دانشگاه ها؛ تشکیل و تقویت هیأت های امنی دانشگاه های خصوصی و غیر انتفاعی و مجتمع آموزش عالی به ویژه در زمینه کنترل کیفی و اعتبار سنجی؛

در زمینه مسائل آموزشی و علمی صاحبنظران راهکارهایی را برای افزایش هرچه بیشتر سطح برنامه های آموزشی و پژوهشی در مؤسسات خصوصی و افزایش تمایل اساتید به انجام تحقیق و پژوهش را پیشنهاد نمودند که در جدول ۱۴، ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱۴. راهکارهای آموزشی و علمی

مانع	خلاصه راهکارهای اجرایی
بعد علمی و آکادمیک	انعطاف پذیر کردن شیوه های آموزشی در مؤسسات خصوصی؛ کاربردی کردن فعالیت های مؤسسات خصوصی به نحوی که بیشتر افراد صاحب نظر و متخصص تولید کند و نه فقط افراد دارای مدرک؛ کاهش تمایز بین فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و خصوصی با یکسان سازی دوره های آموزشی و پژوهشی بین این دو بخش؛ تقویت هیأت علمی دانشگاه های خصوصی
	ایجاد نظام حمایت مالی از اعضای هیئت علمی؛ تدوین طرح تقویت صندوق آئیه دانشگاهیان(تشکیل بانک دانشگاه)؛ استفاده از سیستم پاداش و تسهیلات از طریق فرآیندی رقابتی و بر مبنای شایستگی ها؛

پیگیری تسهیلات و تامین از طریق منابع دانشگاهی برای حمایت از تحقیق و پژوهش؛		
یافتن معیارهای اصولی و قابل اطمینان برای اعتبارات آموزشی و پژوهشی و سایر امکانات به مراکز خصوصی؛	کنترل کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه های خصوصی	
اطمینان از وجود حداقل معیارها و موارد معتبر علمی در امر آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه ها و دانشکده ها و ایجاد انگیزه برای درون جوش دانشگاهها در ارتقای معیارها؛		
ایجاد یک نظام پایش و نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش عالی در تمامی موسسات (اعم از دولتی و خصوصی)؛		
تشکیل تیم های مستقل و آزاد که بتوانند بررسی کیفی دانشگاه های خصوصی را به درستی انجام دهند؛		
با توجه به بالا بودن میزان شهریه های دریافت شده از سوی دانشگاه های خصوصی باید در تدوین برنامه های آموزشی به علایق ذی نفعان به خصوص دانشجویان توجه کامل شود؛		

با بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی ، اعضای جامعه آماری تحقیق پیشنهاداتی را به شرح

### جدول 15 ارائه نمودند:

جدول شماره ۱۵. راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

خلاصه راهکارهای اجرایی	مانع
زمینه سازی اجتماعی و قانونمند کردن خصوصی سازی؛	بعد فرهنگی و اجتماعی
ایجاد تفکر و پیش لازم برای گسترش آموزش عالی خصوصی در بین سیاستگذاران، برنامه ریزان و مدیران کلان اجرایی آموزش عالی؛	
ایجاد کارگاه ها و کلاس های آموزشی برای روسا و مدیران دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی؛	
تقویت دیدگاه مدیران نظام آموزش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه ها؛	
آگاه کردن افراد از هزینه های آموزش عالی و بازگشت سرمایه شان؛	

### بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید تا به بررسی مهمترین موانع خصوصی سازی دانشگاه هادر کشور پرداخته شود. این پژوهش در سه مرحله صورت پذیرفت که در مرحله اولیه آن از افراد صاحب نظر خواسته شد تا در مصاحبه هایی عمیق و کیفی شرکت و به بررسی افراد صاحب نظر خواسته شد تا در مصاحبه هایی عمیق و کیفی شرکت و به بررسی موضوع بپردازند. پس از استخراج مهمترین مؤلفه ها و طراحی پرسشنامه ای با سوالات

بسته به شیوه لیکرت، نظرات ۹۳ تن از کارشناسان پرسیده شد. نتایج این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که عواملی چون فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، از اصلی ترین مشکلات خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها بوده و در مجموع موانع سیاسی مهمترین چالش پیشاروی خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی است. همچنین تجزیه و تحلیل یافته‌ها بیانگر این موضوع است که از لحاظ قانونی موانعی برسر راه خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی وجود دارد؛ عدم وجود قوانین مناسب سبب گردیده تا گرایش زیادی به سرمایه‌گذاری در این بخش وجود نداشته باشد. از سویی دیگر تمرکز گرایی زیاد دولتی و کنترل های غیر ضروری می‌تواند سبب کاهش انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری شود. چنانچه وزارت علوم بیشتر بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی تمرکز نموده و تضمین آن را پیگیری نماید و از نحوه و شیوه اداره امور به شکل فعلی، صرف نظر کند، می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. به عنوان مثال یک بند در اساسنامه «تیپ» که تمام مؤسسات ملزم به اجرای آن هستند، تعیین تکلیف اموال پس از انحلال مؤسسات است که بر اساس آن در صورتی که سرمایه‌گذاران در زمان تأسیس و بعد از آن اموالی را برای مؤسسه آورده باشند، موظفند در صورت انحلال مؤسساشان، تمامی اموال را به وزارت علوم بسپارند و این مسئله به نوعی احساس امنیت را از سرمایه‌گذاران سلب می‌نماید. یکی از موانع دیگر خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها مربوط به شیوه تفکر و نوع نگاه به اصل عدالت اجتماعی در جامعه ایران در سه دهه گذشته است. بطور کلی می‌توان عنوان کرد که نوعی مغایرت بین این اصل و خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها قابل رویت است و به نوعی تلقی احساس بی عدالتی در ورود افراد به دانشگاه‌ها (با پرداخت شهریه) وجود دارد. بر اساس مطالعات صورت گرفته به وسیله تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، توجه به امر خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشورهایی چون ایران به علت وجود عقاید مذهبی بحران‌هایی را در پی خواهد داشت که از مهمترین آنها توجه به عدالت اجتماعی و در دسترس بودن آموزش و برابری آموزشی، طبقاتی نشدن آموزش

عالی و... است، که اهمیت موارد مطرح شده در تحقیق فوق با توجه به نتایج کسب شده از این مطالعه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در بعد اقتصادی می‌توان بیان نمود که پرداخت شهریه‌های سنگین یکی از مهمترین موضع پیشاروی خصوصی‌سازی دانشگاهها می‌باشد که این مسئله با نتایج تحقیق هولژاکر و همکارانش در سال ۲۰۰۹ و نیز آراسته و اسفندیاری در سال ۱۳۸۹ همسو می‌باشد. از طرفی تحقیقات صورت گرفته نتایجی متناقض را نشان می‌دهند؛ درآمد خانواده‌های دانشجویان مراکز دولتی به مراتب بیشتر از مراکز خصوصی و غیر دولتی است. شواهد حاکی است که امروزه تعداد قابل توجه از دانشجویانی که برای ادامه تحصیل مراکز خصوصی را در اولویت قرار می‌دهند از خانواده‌های طبقات پایین هستند. زیرا خانواده‌های آنها قادر به فراهم آوردن شرایط تحصیلی مناسب برای فرزندان شان در دوره دبیرستان و ما قبل آن نبوده و به مدارس بهتر، کلاس‌های آموزشی با کیفیت بالاتر و... دسترسی ندارند.

از بعد آموزشی نیز بسیاری از صاحبنظران معتقدند در ایران، کیفیت تحصیل و پژوهش در دانشگاه‌های غیردولتی و خصوصی بسیار پایین‌تر از دانشگاه‌های دولتی است. این تفکر در میان عامه مردم نیز به چشم می‌خورد. دانشگاه‌های بخش خصوصی به دلیل این که پژوهش یک فرآیند بلند مدت است و احتمالاً در کوتاه مدت بازده اقتصادی ندارد، توجه کافی به این امر خطیر ندارد و به علت پژوهی‌بودن تحقیقات، تقریباً تمامی دانشگاه‌های خصوصی، مسئله تحقیقات را که عاملی ضروری در توسعه آموزش عالی است به دست فراموشی سپرده‌اند. از نظر امکانات آموزشی و سایر تسهیلات آموزشی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بر خصوصی برتری دارند. مبلغ سرانه‌ای که برای آموزش دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی هزینه می‌شود در اکثر کشورها بیش از این مبلغ در دانشگاه‌های خصوصی است. از نظر کارایی نیز دانشگاه‌های دولتی سرآمدتر از مراکز آموزشی خصوصی هستند. به عنوان مثال معمولاً میزان ترک تحصیل در دانشگاه‌های خصوصی بیشتر از دانشگاه‌های دولتی است همچنین، دانشگاه‌های خصوصی به طور معمول از اساتید بازنشسته و یا پاره وقت استفاده می‌کنند و از این رو کیفیت برنامه‌های

آموزشی در این مراکز پایین‌تر است. دانشگاه‌های خصوصی همچنین از امکانات، فضای آموزشی و تسهیلات کمتری نسبت به دانشگاه‌های دولتی برخوردارند و مبلغ سرانه‌ای که در این دانشگاه‌ها صرف آموزش هر دانشجو می‌شود از هزینه‌ای که در دانشگاه‌های عمومی و دولتی صرف می‌شود پایین‌تر است. این نگرانی از کاهش کیفیت آموزشی در مراکز غیر دولتی و خصوصی و نبود قادر علمی مناسب و هزینه‌های تحقیق و پژوهش و ایجاد تمایز بین فارغ التحصیلان مؤسسات دولتی و خصوصی در این مراکز از جمله مواردی است که روشن در سال ۱۳۸۸ در ایران، پاگوتی در سال ۲۰۰۱ در برزیل، بات اردنت در سال ۲۰۰۷ در اوکراین و واکارکویت در سال ۲۰۰۸ در چند کشور آسیایی در جریان بررسی وضعیت خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها به آن اشاره نموده‌اند و این مسئله هم‌سویی نتایج تحقیق را با سوابق پژوهشی مورد تأیید قرار می‌دهد.

براساس نتایج این مطالعه تنظیم استانداردهایی برای افزایش کیفیت آموزشی دانشگاه‌های خصوصی و انجام حمایت‌های مالی از استادی و دانشجویان مانند پاداش‌ها، کمک هزینه‌های تحصیلی، وام‌ها و کوپن‌ها، ارزیابی صحیح فعالیت‌های استادی و تشویق آنها در جهت انجام پژوهش و تحقیق، از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به رفع مشکلات ناشی از روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور کمک نمایند؛ نیز کاهش نقش تصدی گرانه و عملیاتی وزارت علوم قطعی و ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا خصوصی‌سازی دانشگاهی در ایران با توجه به پیچیدگی‌های محیط اجتماعی و سیاسی این کشور، کاری عظیم و پرمیثت می‌نماید که همکاری و هم‌اندیشی دست اندکاران و کارشناسان مربوطه را می‌طلبد. با توجه به ساختار سنتی نظام‌های اداری کشور که ریشه در دیوان سalarی دولتی دارند، لازم است در صورت اقدام به خصوصی‌سازی دانشگاهی در کشور، نظارت‌هایی جهت حل این مشکل به کار گرفته شود و تمایل به بازگشت دیوان سalarی کاهش یابد. از سویی براساس دیدگاه «مبتنی بر محوریت اصل عدالت اجتماعی» چند تن از اعضای جامعه آماری این پژوهش، امر خصوصی‌سازی همراه با پی‌گیری استقلال دانشگاهی از اهمیت زیادی برخوردار است و این دو سیاست در کنار هم منجر به همکاری بیشتر و مؤثرتر دو بخش دولتی و خصوصی آموزش عالی خواهد

شد. منظور از استقلال دانشگاهی برخورداری از آزادی و عدم پایبندی به مقررات دست و پاگیر دیوان سalarانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه و مدیریت آن ، توزيع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیر عمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و برخورداری از آزادی در خصوصی چگونگی تدریس و پژوهش است. در صورت اجرای این طرح در کنار خصوصی‌سازی، دانشگاه‌ها به طور مستقل و خودگردان اداره شده و آموزش نیز به عنوان یک کالای عمومی عرضه می‌گردد و تنافضی با قانون اساسی نیز نخواهد داشت. در این صورت دانشگاه‌های بزرگ مستقلی خواهیم داشت که به راحتی می‌توانند با هم به رقابت پرداخته و به دور از دخالت‌های دولتی و قوانین دیوان سalarانه، با انعطاف و استقلال بیشتری در مدیریت فعالیت کنند البته در این راستا نیز قدم‌هایی برداشته شده که شامل تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه است. هم‌چنین دانشگاه‌های ایرانی می‌توانند با تبلیغات گسترده جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهایی چون کشورهای هم‌جوار و یا کشورهای آمریکای لاتین زمینه رشد و تحرک خود را فراهم آورند.

## فهرست منابع

- آراسته، حمید رضا؛ اسفندیاری، توران (۱۳۸۹)، «خصوصی سازی در آموزش عالی»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶.
- تسنیمی، عباسعلی؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۰)، «نقادی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۷، شماره ۲۰، ص ۴۱-۱۵.
- جانستون، بروس (۱۳۸۳)، «خصوصی سازی آموزش عالی»، مترجم: حمید رضا آراسته، دایره المعارف آموزش عالی، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- جعفری، پریوش (۱۳۸۹)، «ارائه مدلی مناسب برای خصوصی سازی آموزش و پژوهش در ایران»، قابل دسترسی در سایت سازمان خصوصی سازی به آدرس: <http://www.ipo.ir>
- جونز. دی آر (۱۳۸۳)، «خصوصی سازی در آموزش عالی»، مترجم: هادی شیرازی بهشتی، گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ص ۵۰۵-۴۸۹.
- جیمز، ای (۱۳۸۱)، « تقسیم مسئولیت آموزش و پژوهش بین بخش خصوصی و عمومی »، مترجم: عبدالحسین نفیسی، دانشنامه اقتصاد آموزش و پژوهش (جلد اول)، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران، ص ۱۴۴-۱۶۱.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۳)، « مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی »، انتشارات سمت، چاپ دهم، تهران.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸)، « بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تأثیر راهکارهای اجرایی تحقق آن »، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، ص ۱۰۶-۷۹.
- رحیمی کلیشادی، رضا (۱۳۸۸)، « خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی/اجتماعی آن »، پایگاه حوزه وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان. قابل دسترسی در : [www.hozeh.ir](http://www.hozeh.ir)
- رفیع پور، محسن (۱۳۸۱)، « بررسی تاثیر خصوصی سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس »، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی: عباس مقبل.

روشن، احمد رضا (۱۳۸۸)، «خصوصی سازی آموزش عالی در ایران»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۵) «بررسی تحلیلی خصوصی سازی آموزش عالی»، قایل دسترسی در : [www.iranculture.org](http://www.iranculture.org)

علی احمدی، علیرضا؛ سعید نهایی، وحید (۱۳۸۷)، «توصیفی جامع از روش های تحقیق»، انتشارات تولید دانش، چاپ ششم، تهران.

عزتی، میترا؛ نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروههای آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی: دانشگاه تهران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۵۴-۲۳.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، «دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله های ایرانی»، نشر نی، تهران.

گزارش ملی آموزش عالی کشور، (۱۳۸۷)، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزش عالی، محمودی، وحید (۱۳۷۵)، «امکان سنجی خصوصی سازی آموزش عالی با توجه به وضعیت توزیع درآمد و مصرف در کشور»، طرح پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد.

معین، مصطفی (۱۳۸۳)، «استغلال دانشگاه، توسعه علمی کشور و اغتنام فرصت‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، صص ۲۳-۱۷، قابل دسترسی درسایت فرهنگستان علوم کشور به آدرس: [www.ias.ac.ir](http://www.ias.ac.ir)

ملکی، حمید (۱۳۸۵)، «تعیین مؤلفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، به راهنمایی نادر قلی قورچیان.

مهرگان، محمد رضا؛ دهقان نیری، محمود (۱۳۸۸)، «مدل راهبردی ارزیابی مؤسسات آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی»، شماره ۵۲، صص ۷۹-۵۵. رحمانی میانده‌ی، غلامرضا؛ نصر آبادی لوسانی، زهرا؛ حسن نفرآباد، علی (۱۳۸۰) «استغلال دانشگاهی در آینده»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، صص ۱۰۲-۶۵ وودهال، ام (۱۳۸۰)، «گذشته و حال اقتصاد آموزش و پرورش»، مترجم: مرتضی امین فر، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، صص ۳۸-۱۳.

هاشم نیا، شهرام؛ عمادزاده، مصطفی؛ صمدی، سعید؛ ساکتی، پرویز (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر درآمدهای اختصاصی تحقیقات دانشگاه‌های صنعتی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲.

A Report of the Delta Cost Project, (2010), “*Trends in College Spending 2008-1998: Where Does the Money Come from? Where Does it Go? What Does It Buy?*”, pp. 45-40.

Barr.N (2004), “*Higher education funding*” ,Oxford review of economic policy ,Vol. 20, No. 2.

Bistang C.R (2005), “*Mobilization the private sector for public education*”, J.F.Kennedy school of government, Harvard,Massachusetts.October,PP. 5-6.

Boyd, W. (1999), “*International Aspects of Education Commerce*”, Private Higher Education, Private Schools, For-Profit and Nonprofit Institutions, Public-Private Partnerships, Encyclopedia of Education (First edition). PP.1221 -1218.

Brown.K (2002) , “*The right to learning, alternative for a learning society*”, New York.

Cabinet of Ministers of Ukraine Decree (2008), “*On Some Issues of Student Stipend Provision*”, March 5. Available at: [www.mon.gov.ua](http://www.mon.gov.ua).

CIA World fact book (2010), U.S. Department of state, “*Area Handbook of U.S library of congress- country studies*”, <http://country studies .us>.

Council for Aid to Education (2010), “*Contributions to Colleges and Universities*”

Etzkowitz.H (2001), “*The 2ed academic revolution & the rise of entrepreneurial science*”, Technology and science, No. 22(2), PP.18-29.

Gibbs,P (2001), “*Higher education as a market: a problem or solution?*”, studies in higher education,Vol.26 ,No.1, PP. 85-94.

Holzhacker.D ,Chornoivan .O, Yazilitas.D , Ochir.K.D (2009), “*Privatization in Higher Education: Cross-Country Analysis of Trends, Policies, Problems, and Solutions*”, Issue Brief, Washington D.C, Available at: [www.ihep.org](http://www.ihep.org).

Lyall and Katharine(2006), “*The de facto privatization American public higher education*”, Chandeo, No 7.

Lott.J.R (1990), “*Academic freedom in a public university.U.S :Montana state university*”, the freedom, March,PP. 112-115.

Marcucci, P. N. and Johnstone, D. B. (2007), “*Tuition Fee Policies in a Comparative Perspective: Theoretical and Political Rationales*”, Journal of Higher Education Policy and Management. Vol.29, No. 1, PP. 40 – 25.

- McCowan. Tristan (2004), “*The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality*”, Journal of Education Policy, Vol. 19, No. 4, PP. 453-472.
- Memphis University(2003), “*Faculty development. The college of education*”, Office of Faculty development. UK.The university of Memphis.
- Moein.M(2004), “*Autonomy of university ;country's faculty development and opportunities*”, first conference of prevention methods, PP.7-23, available at: www.ias.ac.ir(in Persian).
- Mora,J.G (2005), “*Public-Private partnerships in Latin America: A review based on four case studies*”, prepared for the conference: mobilization the private sector for public education, Co- sponsored by world bank. Kennedy school of government ,Harvard university .october. PP. 5-6.
- “*National Institute of Educational Studies and Research*”, (2011), (www.inep.gov.br).
- NEA: National education association(2011), ( <http://www.nea.org>).
- NEA: National education association (2004), “higher education and privatization, washington D.C, Vol.10.
- NKE steven, (2002), “*privatization& Development*”, International center for Economic Growth. P. 35.
- Samford university(2003), [www.applyweb.com](http://www.applyweb.com).
- Sivalingam .G(2006), “*Privatization Of Higher Education In Malaysia*”, Monash University Malaysia, School Of Business, Published by the Forum on Public Policy.
- Smolicz.J.J (1999), “*Privatization in higher education: Emerging commonalities and diverse educational perspective in the Philippines ,Australia ,Poland and Iran*” ,Journal of development and society. Vol. 28, No.2, PP. 250-228.
- Stormqvist G.H (2006), “*Impact of commercialization and privatization of higher education*”, Conference on management of change: The challenges facing universities, India, Hydarabad, September, PP. 26-29.
- Strehl.F., Reisinger .S., Kalatschan.M,(2007) Funding systems and their effects on higher education systems, OECD education working papers. No.6.OECD Publishing.
- Tilak.J.B.G(2008), “*Current trends in private higher education in Asia*” ,National university of educational planning and administration, India. Presented in International conference of: privatization in higher education, The Samuel Neaman Institute technion, Israel Institute of technology , Haifa, Israel.

Wisconsin University (2003), “*Faculty and Academic staff Development program.US: The university of Wisconsin*”.

World university service (2002), “*The lima declaration on academic freedom and autonomy of institutions of higher education*”, US.New York.

[www.ez.nl/Onderwerpen/Meer\\_innovatie/Nederland\\_Ondernemend\\_Innovatieland](http://www.ez.nl/Onderwerpen/Meer_innovatie/Nederland_Ondernemend_Innovatieland) (in Dutch).